

فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در حوزه نفت

چکیده

اساس سیستم حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی پیش از شروع روند آئین دادرسی قضائی، تشویق اعضا به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات خود، با اعلام و مشورت و قبل از آن استفاده از مکانیسم‌های دیپلماتیک نظیر مساعی جمیله و میانجیگری می‌باشد. در واقع جنبه اجباری نظام حل قضایی اختلافات، فرصت‌های محدود و حالت نیمه خودکاری که این روند به خود گرفته است از جمله ضمانت‌های اجرای تصمیمات متخذه بوده و طرفین دعوا را نیز به سوی حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین خود سوق می‌دهد. علاوه بر نظام فوق، ارجاع به داوری به‌عنوان روش سریع و تسهیل‌کننده حل اختلافات پذیرفته شده و با توافق طرفین دعوی صورت می‌پذیرد.

سازمان تجارت جهانی با هدف دسترسی آزاد به بازارها و کاهش تعرفه‌ها و تسهیل در امر صادرات و واردات بر اساس رفتاری غیرتبعیض‌آمیز، دسترسی به بازارهای کشورهای عضو را بدون ایجاد موانع تعرفه‌ای و یا غیر تعرفه‌ای و یا هر موقعیت دیگری که مانع از دستیابی به منافع سایر اعضا شود را نیز نقض توافقنامه‌ای دانسته و با طرح دعوی از سوی عضو شاکی، در چارچوب نظام قضایی سازمان تجارت جهانی که نظامی منحصر به فرد است، به اختلافات رسیدگی می‌کند. سیستم قضایی سازمان تجارت جهانی مختص رسیدگی به دعاوی دولت‌ها و یا سازمان‌های منطقه‌ای است اما، از جمله ضعف‌هایی که این سیستم دارد، عدم شفافیت در روند دادرسی و

زمان کوتاه دادرسی نهاد تجدید نظر و سایر ضعف‌های تکنیکی است که مانع از دستیابی به نتایج مورد نظر مذاکره‌کنندگان بیانیه‌های دوحه (در سال ۲۰۰۱ میلادی) در خصوص شفاف‌سازی تفاهم نامه حل اختلاف شده است. در نتیجه می‌توان گفت که حل و فصل حقوقی یک اختلاف در سیستم سازمان تجارت جهانی الزاماً به معنای حل و فصل یک دعوی حقوقی نبوده بلکه تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی قرار می‌گیرد.

پژوهشی کلیدی: مخرمان تجارت جهانی، فرآیند حل اختلاف کشورهای تولیدکننده نفت، دعوی حقوقی

مقدمه

تضاد منافع تجاری بین کشورها، علی‌الخصوص کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، همواره موجب بروز اختلافات در چارچوب توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت شده است و در نتیجه دستگاه حل اختلاف در گات (GATT) بخشی پرکار و فعال بوده است. از طرف دیگر اختلاف دولت‌ها در زمینه مسائل تجاری با سایر اختلافات در روابط بین‌الملل تفاوت دارد و از این جهت شاید سایر مکانیزم‌های موجود حل اختلاف، همچون رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه پاسخگو نباشد. توافق کلی در وضع اصول اساسی نظیر عدم تبعیض، و رفتار دول کامله‌الوداد به‌عنوان مبانی نظم در تجارت بین‌الملل مطرح بوده است. دلیل این امر آن است که هدف غایی موافقتنامه‌ای چون گات یا سازمان تجارت جهانی، تأمین تفاهم و تضمین تجارت آزاد و غیرتبعیض‌آمیز کشورهای عضو است و صرفاً اجرای موازین خشک حقوقی^۱ نیست. ملاحظاتی از این دست موجب شکل‌گیری نظام حل اختلافاتی شده است که ضمن متفاوت بودن با دیگر سیستم‌های حل اختلاف، عناصر تشکیل‌دهنده آن تقریباً مشابه دیگر روشهای حل اختلاف است و در حقیقت ترکیبی از شیوه‌های حقوقی و شیوه‌های انعطاف‌پذیر سیاسی می‌باشد.

رئوس اهداف اقتصادی توافقنامه، توسعه استانداردهای زندگی، تأمین شرایط

۱. نیکبخت، حمیدرضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، سال ۱۳۸۲، ص ۸۰.

اشتغال کامل، افزایش مداوم در آمد خالص و تقاضای مؤثر، استفاده کامل و بهینه از منابع جهانی، افزایش تولید و مبادله کالا بیان شده است.^۱ به این منظور در توافقنامه کلی، کشورهای عضو زیر بار تعهدات سنگینی می‌روند که اهم آن عبارتند از^۲ اعمال مطلوب‌ترین رفتار با دول متعاقد (یا شرط دول کامله‌الوداد)، رعایت حداکثر سطح تعرفه‌هایی که در جدول اعطای امتیازات مقرر شده است، محدود نمودن یا در بعضی موارد خودداری از استفاده از برخی معیارهای غیرتعرفه‌ای منحرف‌کننده تجارت، استفاده از آیین خاص برای حل اختلافات و وضع مقررات و قوانین تجاری صریح و شفاف و انتشار آنها، به طوری که برای همه قابل دسترسی، بدون ابهام و قابل فهم باشد. اهداف توافقنامه کلی در مقدمه توافقنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی نیز تکرار می‌شود و علاوه بر آنها توسعه و تولید و تجارت خدمات نیز جزء اهداف سازمان قرار می‌گیرد. در توافقنامه مؤسس تصریح می‌گردد که لازم است تلاشهایی به عمل آید تا کشورهای «در حال توسعه» و «کمتر توسعه یافته» در توسعه تجارت بین‌الملل سهمی معادل نیازهای توسعه اقتصادی‌شان داشته باشند و همچنین از محیط زیست، حفاظت و حراست به عمل آید.^۳ اگر بپذیریم که هدف غایی توافقنامه کلی و توافقنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی، آن‌گونه که در مقدمه هر دو سند آمده است به‌طور کلی بهبود و توسعه و رفاه زندگی مردم کشورهای مختلف بوده است، حصول این هدف در تجارت آزاد در سطح جهان دیده شده است. برای این منظور سه اصل پذیرفته شده شفافیت، تضمین تجارت آزاد، و امنیت، کماکان بر تجارت خارجی و داخلی حاکم است.

ویژگی‌ها و ترتیبات حل اختلاف در گات (۱۹۹۴)^۴

امروزه نظام حل اختلافات در سازمان تجارت جهانی یکی از مکانیسم‌های فعال در صحنه بین‌الملل محسوب می‌شود که از اول ژانویه ۱۹۹۵ تا اول سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی،

۱. همان منبع، صص ۸۱-۸۰.

۲. همان منبع.

3 Wilson, Bruce, A Hand Book on the WTO Dispute Settlement System, A WTO Secretariat Publication by the Legal Affairs Division and the Appellate Body, Cambridge University Press, 2004.

۴. همان منبع.

۳۳۲ مورد دعوی حقوقی یا بیش از ۲۰۰ موضوع مختلف به این سازمان ارجاع شده است.^۱ به طوری که این آمار در ۱۰ سال گذشته با آمار دعاوی حقوقی گات در ۴۸ سال دوره کاری آن برابری می‌کند که اغلب موضوع این دعاوی کسب منافع بیشتر در تجارت بین‌المللی می‌باشد.

قواعد توافقنامه‌های تحت پوشش سازمان تجارت جهانی، ناظر بر اقدامات دولت‌هاست و به هیچ‌وجه بر اعمال شرکت‌ها یا اشخاص تعمیم نمی‌یابد. البته این حق وجود دارد که کشورها در قوانین داخلی خود به اشخاص خصوصی اجازه دهند در دادگاه‌های داخلی به متن توافقنامه کلی استناد نمایند. به عنوان مثال در قانون ایالات متحده آمریکا، چنین روشی با عنوان «اثر اعمال خودبه‌خود» پذیرفته شده است.^۲

گروه‌های کاری یا هیئت‌های رسیدگی به اختلافات در گات، گزارش‌های مفصل خود را طبق توافقنامه کلی ارائه می‌کنند که مورد موافقت طرفین است. اما مواردی هم بوده است که رئیس گروه‌های متعاهد گزارشی ارائه کرده که طرف‌های متعاهد در جلسه مخالفتی با آن نداشته‌اند.^۳

مکانیسم کنونی حل اختلافات از سوی گات بیشتر جنبه سیاسی دارد، اما سیستمی که در چارچوب سازمان تجارت جهانی به کار گرفته می‌شود بر جنبه حقوقی مسائل بیشتر تکیه دارد. سازمان تجارت جهانی نظم حقوقی جدیدی را ایجاد کرده است که موضوع اصلی در آن طرف‌های متعاهد یا اعضا و تابعین آنها می‌باشند. این امر سبب می‌شود تا اعضا قبل از اقامه دعوا، دوستانه به حل منازعات میان خود بپردازند.

مکانیسم کنونی حل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، نسبت به مکانیسم قبلی که توسط گات در سال ۱۹۴۷ به کار برده می‌شد، حالت یک دست‌تر و متناسب‌تری دارد و تحت پوشش نهاد جداگانه‌ای به نام «ارگان حل و فصل اختلافات» (DSB) قرار دارد که شامل مجموعه‌ای از قواعد و آیین دادرسی در چارچوب «تفاهم نامه حل و فصل اختلافات»^۴ می‌شود.

1. www.wto.org

2. Howard Jackson, John, The General Agreement on Tariffs and Trade in United States Domestic Law, Michigan Law Review 66(1967), p. 249.

3. Howard Jackson, John, The World Trade Organization, Constitution and Jurisprudence, The Royal Institution Affairs, 1999. p.42.

4. Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes (1994).

ترتیبات حل اختلاف در گات ۱۹۹۴

اساس سیستم حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی همچون توافقنامه کلی «اعلام و مشورت» می باشد. بدین معنا که هر یک از طرفین را تشویق می نماید ضمن مطرح ساختن مورد دعوی و اعلام آن به طرف دیگر، در صدد مذاکره با یکدیگر برآیند. سپس از طریق مصالحه و میانجیگری پیشنهاد کمک برای یافتن راه حل به آنها ارائه می دهد.^۱ تفاهم نامه حل و فصل اختلافات شیوه های مختلفی نظیر ارجاع به داوری در چارچوب ماده ۲۵ یا ارجاع به مکانیسم های دیپلماتیک نظیر میانجیگری (ماده ۵) را جهت حل دعاوی حقوقی ارائه می دهد؛ با وجود این به نظر می رسد که در عمل چنین شیوه هایی مسکوت مانده است و آیین دادرسی به دست هیئت های حل اختلاف صورت می گیرد و تمام جزئیات آن در تفاهم نامه حل و فصل اختلافات آمده است.^۲

الف. مشورت^۳

طبق ماده ۴، سازماندهی مشورت اولین مرحله مهمی است که باید انجام شود. اگر هر یک از کشورهای عضو مشاهده کند که تخلفی از سوی عضو دیگری صورت گرفته و یا موارد توافقنامه فسخ یا مورد توافق با اشخاص ثالث قرار گرفته است، باید کتباً درخواست مشورت خود را ارائه دهد. مشورت ها معمولاً در ژنو و به طور محرمانه صورت می گیرد. بدین معنی که دبیرخانه هم در آن دخالتی ندارد و محتوای آن برای هیئت حل اختلافی که موضوع را بررسی خواهد کرد نیز پوشیده است.^۴ اما این مشورت ها نباید موجب بروز اختلافات بیشتر شود زیرا هدف اصلی از آن رسیدن به راه حل مثبت و مورد موافقت طرفین است. همان طور که در ماده (۷) ۳ صریحاً آمده است: «اتخاذ یک راه حل مشترک و مورد قبول برای طرفین که با موافقتنامه اصلی منافات نداشته باشد، ارجحیت دارد».^۵

پیش از شروع روند آیین دادرسی جهت حل و فصل اختلافات، اعضاء تشویق می شوند تا اختلافات خود را به طور مسالمت آمیز و با مشورت رفع کنند. در اغلب موارد

۱. نیکبخت، حمید رضانظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، همان منبع، ص ۱۱۴.

۲. فورگ، اریک کانال، رویه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، (ترجمه) معصومه سیف افجه ای، سفارت جمهوری اسلامی ایران، بروکسل، آبان ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۳. همان منبع، ص ۱۲.

4. Wilson, Bruce, op.cit, p. 46.

۵. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴.

همین مشورت‌ها در حل دعاوی حقوقی کاملاً مؤثر بوده است. جنبه اجباری سیستم، فرصت‌های محدود، حالت نیمه خودکاری که این روند به خود گرفته، به علاوه تقویت مکانیسم اجرا و حمایت از تصمیمات اتخاذ شده، همه و همه طرف‌های دعوا را به سوی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف فی‌مابین تشویق می‌نماید.^۱

هر عضوی که درخواست مشورت دارد باید ابتدا ارگان حل و فصل اختلافات را در جریان بگذارد.^۲ تمامی درخواست‌ها باید در چارچوب ملاحظات مورد نظر و طبق اصول حقوقی مربوط به شکایات تنظیم شده باشد. مشورت‌ها نیز فقط بین طرفین دعوا و معمولاً در ژنو انجام می‌شود و دبیرخانه سازمان تجارت جهانی وارد این قضیه نمی‌گردد. اگر مشورت‌ها در مدت ۶۰ روز از زمان ارائه درخواست به نتیجه‌ای نرسد، طرف شاکی می‌تواند تقاضای تشکیل هیئت رسیدگی را بدهد (در اغلب موارد روند مشورت بیش از ۶۰ روز و برخی اوقات حتی سال‌ها به طول می‌انجامد). ولی اگر طرفین پس از ۶۰ روز متقاعد شوند که به نتیجه‌ای نمی‌رسند، می‌توانند تقاضا کنند که هیئت حل اختلاف (هیئت رسیدگی به اختلافات) تشکیل شود.^۳ با علم به اینکه هدف از مشورت رسیدن به یک راه‌حل مشترک و رضایت‌بخش، طبق ماده (۵) ۳ یادداشت تفاهم می‌باشد، هیئت‌های رسیدگی به اختلافات به‌خصوص بر جنبه خصوصی و محرمانه مشورت‌های دو جانبه اصرار می‌ورزند به شرط آنکه این مشورت‌ها به نتیجه برسد.^۴ آنچه که اهمیت دارد حل و فصل عادلانه سریع و مؤثر و همراه با حسن نیت اختلافات تجاری بر اساس ماده (۱۰) ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف است.

ب. تشکیل هیئت حل اختلاف

چنانچه اختلافات از طریق مشورت حل نشود، در صورت درخواست کشور شاکی، پرونده به هیئت رسیدگی به اختلافات که توسط ارگان حل و فصل اختلافات تشکیل می‌شود ارجاع خواهد شد، مگر ارگان مذکور اجماعاً تصمیم بگیرد که هیئت رسیدگی تشکیل نشود.^۵ طبق مقرراتی که قبلاً هم در گات وجود داشت طرف متشاکی می‌تواند با تشکیل هیئت حل اختلاف، مخالفت کند، ولی براساس تفاهم‌نامه حل اختلاف پیشنهاد شده

۱. همان منبع.

۲. همان منبع، ماده (۴) ۴.

۳. همان منبع، ماده (۷) ۴.

۴. همان منبع، ماده (۶) ۴.

۵. نیکبخت، حمید رضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، همان منبع ص ۱۱۴.

است که هیئت رسیدگی باید در اولین جلسه پس از جلسه ای که درخواست تشکیل هیئت در دستور کار ارگان حل و فصل اختلافات قرار گرفت، تشکیل شود، مگر آن‌که در آن جلسه ارگان حل و فصل اختلافات، با اجماع نظر رای به عدم تشکیل هیئت بدهد.^۱ بنابراین می‌توان گفت که یک روند تقریباً خودکار جهت تشکیل هیئت رسیدگی وجود دارد.

زمانی که تعدادی از اعضاء درخواست تشکیل هیئت رسیدگی به اختلافات را داشته باشند، طبق تفاهم‌نامه حل اختلاف در خصوص رسیدگی به دعاوی چند جانبه، می‌توان فقط یک هیئت حل اختلاف برای پاسخگویی به تعدادی از درخواست‌ها تشکیل داد.^۲

وظایف هیئت حل اختلاف^۳

شرح وظایف و اختیارات^۴ هیئت‌های حل اختلاف توسط رئیس هیئت حل اختلاف و با مشورت طرفین دعوی تنظیم می‌شود.^۵ این وظایف کلاً به سه دسته تقسیم می‌گردند:

۱. کمک به ارگان حل اختلاف: طبق ماده ۱۱ تفاهم‌نامه حل اختلاف، وظیفه کلی هیئت‌های رسیدگی به اختلافات کمک به ارگان حل اختلافات در جهت انجام مسئولیت‌های آن در چارچوب تفاهم‌نامه حل اختلاف فعلی و موافقت‌نامه‌های مورد نظر است. بنابراین یک هیئت رسیدگی باید قدرت ارزیابی بی‌طرفانه موضوع مورد بررسی را داشته باشد. هیئت رسیدگی باید به‌طور منظم با طرفین اختلاف مشورت کند و به آنان امکان دستیابی به راه حل مشترک و رضایت بخش را بدهد.

اساس سیستم حل اختلاف در سازمان همچون توافق‌نامه کلی «اعلام و مشورت» می‌باشد و به‌طریق مذاکره، مصالحه (سازش) و میانجیگری، پیشنهاد کمک به طرفین دعوا ارائه می‌دهد و چنانچه با اتخاذ این روش‌ها اختلاف حل نشود، در صورت درخواست، به هیئت رسیدگی ارجاع خواهد شد.^۶

۲. تهیه گزارش: اگر مذاکرات شکست بخورند، هیئت رسیدگی، شکوائیه کتبی و

۱. تفاهم‌نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۱) ۶.

۲. همان منبع، ماده (۱) ۹.

۳. همان منبع.

4. Terms of References

5. Howard Jackson, John, The Role and Effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism /Brooking, Trade Forum 2000, p. 4.

۶. تفاهم‌نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۳) ۵.

شفاهی را از طرفین اختلاف و نیز اشخاص ثالث (عضو سازمان تجارت جهانی) که به شکل ساده منافع خود را در خصوص اختلاف اعلام می‌نمایند، دریافت می‌دارد.^۱

هیئت‌های رسیدگی در جلسات محرمانه که در آن طرفین دعوا حضور نخواهند داشت، از اقدامات خود گزارش تهیه می‌کنند. این گزارش در دو مرحله نوشته می‌شود، مرحله اول، بررسی و مرور ضمن رسیدگی به دعوی می‌باشد. به این صورت که بعد از استماع اظهارات طرفین هیئت رسیدگی از بخش‌های توضیحی (مسائل موضوعی و بحث‌های طرفین) پیش‌نویس گزارش را تهیه می‌کند و آن را نزد طرفین می‌فرستد و آن‌ها فرصت معینی دارند تا نظر خود را در خصوص آن ابراز نمایند. سپس هیئت رسیدگی، گزارش ضمن رسیدگی به دعوی را ارائه می‌نماید که هم شامل بخش‌های توضیحی می‌باشد و هم شامل نظریات و نتایج هیئت رسیدگی.^۲ مجدداً طرفین وقت معینی خواهند داشت تا در خصوص آن گزارش اظهار نظر نمایند و جلسه دیگری از هیئت رسیدگی با حضور اعضا را در خواست نمایند که در آن جلسه موارد مطرح شده در گزارش، مورد بحث قرار گیرد.^۳ در مرحله بررسی و مرور ضمن رسیدگی به دعوی، گزارشها باید علاوه بر یافته‌های موضوعی، اعمال مقررات مربوطه و توجیه یا مبانی نظریات، توصیه‌هایی را نیز شامل شود.^۴ هیئت‌های رسیدگی به اختلافات باید ظرف ۶ ماه از تاریخ تشکیل، گزارش خود را ارائه دهند^۵، گرچه بعضاً این مهلت تا ۹ ماه یا بیشتر در مواردی که شکایت علیه کشورهای در حال توسعه باشد، تمدید شده است.^۶

اگر طرفین دعوی به توافق برسند و اختلاف حل شود، گزارش ساده خواهد بود به طوری که هیئت رسیدگی فقط حل دعوی را با توضیح مختصری از مآل وقوع گزارش خواهد نمود. گزارش هیئت‌های رسیدگی خود به خود توسط ارگان حل اختلاف پذیرفته می‌شود، مگر آن‌که، یکی از طرفین دعوی نسبت به گزارش اعتراض و پژوهش خواهی نماید و یا ارگان حل اختلاف به اتفاق آرا تصمیم بگیرد که آن گزارش را نپذیرد^۷ (اجماع منفی).

1. Howard Jackson, John, The Role and Effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism, op.cit, p. 4.

2. Finding of fact

۳. نیکبخت، حمید رضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، همان منبع، ص ۱۱۶.

۴. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده ۱۲.

۵. همان منبع، ماده (۹) ۱۲.

۶. همان منبع، ماده (۱۰) ۱۲.

۷. همان منبع، ماده (۱) ۹.

۳. رسیدگی به اختلافات اشخاص ثالث^۱: نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی منافع اشخاص ثالث را نیز تأمین و از آن مراقبت می‌نماید. ماده ۱۰ تفاهم‌نامه حل اختلاف در سال ۱۹۹۴ به اشخاص ثالث ذینفع اجازه می‌دهد تا ادعایشان را در هیئت رسیدگی مربوطه مطرح نمایند و لوایح کتبی آنها به طرفین ابلاغ شود و لوایح طرفین را نیز دریافت نمایند. به منظور شرکت در آیین رسیدگی به اختلافات، این اعضا (اشخاص ثالث) باید منافع عینی در موضوع مطروحه داشته و آن را به اطلاع ارگان حل اختلاف (طبق ماده (۲) ۱۰) رسانیده باشند.^۲ چنانچه درخواست تشکیل هیئت رسیدگی در ارتباط با موضوعی واحد از سوی بیش از یک کشور ارائه شود، هر کجا ممکن باشد هیئت رسیدگی واحد تشکیل خواهد شد تا به شکایات متعدد رسیدگی کند.

روش هیئت رسیدگی به حل اختلاف^۳

پیش از تشکیل اولین جلسه هیئت رسیدگی به اختلافات با طرفین دعوا، طرفین باید گزارشهای خود را کتباً و با شرح دلایل، به هیئت رسیدگی ارائه دهند و در زمان تشکیل اولین جلسه، هیئت رسیدگی ابتدا از طرف شاکی می‌خواهد تا شکایت خود را مطرح نماید. پس از اولین جلسه، هیئت، موجودیت یافته و کار خود را آغاز می‌نماید. اولین کار هیئت، ترسیم تقویم کاری خود می‌باشد که طبق ماده ۱۲ و ضمیمه ۳ آیین رسیدگی، مشخص شده و تا حدی انعطاف‌پذیر است.^۴ سپس در همان جلسه از طرف متشاکی دعوت می‌شود تا نقطه نظرات خود را ارائه کند سپس از طرف‌های ثالث که از قبل ارگان حل اختلافات را در جریان تمایل خود به شرکت در جلسه قرار داده‌اند دعوت می‌شود تا نقطه نظرات خود را در همان جلسه مطرح نمایند. در اصل طرف‌های ثالث فقط می‌توانند در اولین جلسه هیئت رسیدگی حضور داشته باشند و در جریان اولین گزارشهای کتبی طرفین اختلاف قرار گیرند. اما هیئت رسیدگی می‌تواند حقوق بیشتری را برای طرف یا طرف‌های ثالث قائل شود. اعطای چنین حقوقی در ابعاد گسترده برای حمایت از حقوق طرفین در دفاع از خود لازم است اما تا جایی بلامانع می‌باشد که احکام مربوط به آیین دادرسی نقض نگردد.^۵

۱. همان منبع، ماده ۹.

2. Wilson, Bruce, op.cit, p. 50.

۳. تفاهم‌نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، مواد ۱۱ و ۱۲.

4. Wilson, Bruce, op.cit, p. 53.

۵. فورگ، اریک کانال، ص ۳۷.

پیش از تشکیل دومین جلسه هیئت رسیدگی با طرفین اختلاف، طرفین باید این بار نیز مواردی را که می خواهند رد کنند کتباً ارائه نمایند. طی این جلسه موارد رد شده، شفاهاً نیز بیان می شود و طرف متشاکی حق دارد که قبل از شاکی صحبت نماید و هیئت رسیدگی هر لحظه می تواند (چه در زمان جلسه و چه به صورت کتبی) از طرفین سؤال کند و از آنان توضیح بخواهد از این رو آزادی عمل آن قابل ملاحظه است.^۱ همچنین هیئت رسیدگی کننده مجاز به پذیرش یا رد هرگونه اطلاعات است.^۲

برای ایجاد شفافیت میان اظهارات طرفین اختلاف، گزارشهای کتبی هر یک از آنان، و پاسخهایی که طرفین اختلاف به سؤالات مطرح شده از سوی هیئت رسیدگی می دهند باید در اختیار هر دو طرف قرار داده شود. به علاوه طرفین باید همیشه در زمان ارائه گزارشها، رد ادعاها یا ارائه توضیحات طرف دیگر در جلسه هیئت رسیدگی حضور داشته باشند.^۳ طبق ماده ۱۳ تفاهم نامه حل اختلاف، هیئت های رسیدگی، از نظر قانونی صلاحیت دارند تا از افراد یا ارگان ها، از لحاظ فنی نظرخواهی نمایند. همچنین هیئت های رسیدگی می توانند با کارشناسان مشورت کرده و از آنان گزارش کتبی بخواهند. کلیه اعضاء سازمان تجارت جهانی، حق درخواست اطلاعات از سایر افراد و ارگان ها را دارند. مشورت با منابع اطلاعاتی خارج از سازمان به ویژه با کارشناسان علمی، از سوی هیئت رسیدگی کاملاً مجاز است.^۴

به طور کلی در آیین دادرسی دو مرحله مشخص برای هیئت های رسیدگی پیش بینی شده است. در مرحله اول به طرف شاکی امکان بیان دلایل اصلی دعوا داده می شود. در مرحله دوم برای هر یک از طرفین امکان رد دلایل طرف مقابل و اثبات دلایل خود فراهم می آید.^۵ روش کار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
به طور کلی اگر زمان معوق ماندن پرونده از ۱۲ ماه تجاوز کند و راه حل مسالمت آمیز اتخاذ نشود، عملاً پایان روند دادرسی اعلام می گردد.^۶

هیئت رسیدگی ابتدا دو هفته مهلت می دهد تا طرفین دعوا نظرات خود را کتباً ارائه دهند، پس از پایان دو هفته هیئت رسیدگی «گزارش ضمن رسیدگی»^۷ خود را که

1. Wilson, Bruce, op.cit, p. 53.

2. Florentino.P, Feliciano and Van den bossche , op.cit, p. 327.

۳. فورگ،اریک، کانال، ص ۳۷.

۴. همان منبع.

۵. همان منبع.

۶. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۱۲) ۱۲

7. Interim Report

بیشتر جنبه تشریحی دارد تا حالت نتیجه‌گیری، اعلام می‌نماید.^۱ سپس مجدداً دو هفته از سوی هیئت رسیدگی به طرفین دعوا مهلت داده می‌شود تا بتوانند کتباً از هیئت رسیدگی درخواست کنند تا برخی موارد ذکر شده در گزارش موقت را پیش از ارائه نهایی مجدداً بررسی کند. اگر چنین درخواستی از سوی یکی از طرفین دعوا صورت گیرد، هیئت رسیدگی موظف است تا جلسه‌ای به منظور بررسی مجدد برخی جنبه‌های خاص گزارش موقت خود تشکیل دهد. تجدید نظر در «گزارش موقت» برای عملکرد مناسب در حل دعاوی حقوقی مفید خواهد بود.^۲

هرگاه طرفین اختلاف به یک راه حل مشترک و رضایت‌بخش دست نیابند، هیئت رسیدگی ملاحظاتی ارگان حل اختلافات را به صورت گزارش کتبی ارائه می‌دهد، به طوری که در این گزارش نحوه به کارگیری مقررات و نحوه اثبات دلایل توضیح داده می‌شود.

گزارش نهایی هیئت رسیدگی همیشه چند هفته پس از اعلام به طرفین اختلاف میان تمام اعضاء سازمان تجارت جهانی به سه زبان رسمی (انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی) پخش می‌شود اما تا قبل از پخش، به صورت محرمانه باقی می‌ماند. با این وجود بعید نیست که مطبوعات پیش از تاریخ موعود از توصیه‌های هیئت‌های رسیدگی اطلاع پیدا کنند.^۳

ج. تصویب گزارش هیئت حل اختلاف^۴

تصویب گزارش هیئت حل اختلاف (که میان اعضاء سازمان پخش شده است) باید در دستور کار جلسه ارگان حل اختلاف قرار گیرد. برای آنکه اعضاء سازمان زمان کافی برای مطالعه گزارش‌های هیئت‌های رسیدگی به حل اختلافات را داشته باشند، ارگان مذکور ۲۰ روز پس از زمان پخش گزارش میان اعضاء، به بررسی آن می‌پردازد.^۵ با وجود این، گزارش باید تا ۶۰ روز پس از زمان پخش آن میان اعضاء به تصویب برسد، مگر اینکه ارگان حل اختلاف نخواهد آن را تصویب کند.^۶

1. Wilson, Bruce, op.cit, p. 58.

۲. فورگ، اریک کانال، ص ۴۰.

۳. فورگ، اریک کانال، ص ۴۰.

۴. همان منبع، مواد ۱۶ و ۱۷.

۵. همان منبع، ماده (۱) ۱۶.

۶. همان منبع، ماده (۴) ۱۶.

ضمانت اجرای تصمیمات^۱

اجرای توصیه‌ها و تصمیماتی که از سوی ارگان حل اختلافات به تصویب می‌رسد، از نظر قانونی الزامی می‌باشد، این توصیه‌ها و تصمیمات باید از سوی طرفین دعوا محترم شمرده شده و اجرا گردد. هدف اولیه، عقب نشینی از انجام اقداماتی است که در مظان اتهام قرار می‌گیرد و با مقررات یک یا چند موافقتنامه سازمان تجارت جهانی مطابقت ندارد. بنابراین نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی شامل قواعدی می‌شود که اجرای تصمیمات را تسهیل و تقویت می‌نماید.

د. تشکیل نهاد تجدیدنظر^۲

تفاهم‌نامه حل اختلاف مصوبه سال ۱۹۹۴، تأسیس یک هیئت دائمی استینافی متشکل از هفت نفر را توسط ارگان حل اختلاف پیش‌بینی می‌کند. اولین اعضای این هیئت استینافی در سال ۱۹۹۵ انتخاب شدند، این اعضاء گر چه نهایتاً نماینده کشورهای عضو می‌باشند، اما وابسته به هیچ دولتی نیستند. هیئت استینافی به صورت شعبات ۳ نفره که اعضای آن به صورت گردشی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌شود.^۳

فقط طرفین دعوا مجاز به پژوهش‌خواهی از هیئت استیناف هستند، البته اشخاص ثالث که ذینفع بودن خود را به هیئت حل اختلاف اعلام نموده‌اند، نیز می‌توانند لایحه کتبی به هیئت استیناف تسلیم نمایند و آن هیئت ادعای آنها را استماع خواهد نمود.^۴

در واقع، تشکیل نهاد تجدیدنظر، یکی از ابتکاراتی است که در تفاهم‌نامه حل اختلاف آمده است.^۵ برخلاف نامی که روی این نهاد گذاشته شده، نهاد تجدیدنظر دومین مرحله قضاوت را به عهده ندارد، بلکه در حکم یک دیوان تمیز است که عملکرد آن به بررسی مسائل حقوقی محدود می‌شود. طبق تفاهم‌نامه حل اختلاف، نهاد تجدیدنظر یک ارگان دائمی متشکل از ۷ نفر می‌باشد که ارگان حل اختلاف، اعضای آن را به مدت ۴ سال انتخاب می‌کند و هر یک از اعضا می‌تواند دوره کاری خود را یکبار

۱. همان منبع، ماده (۱۴) ۱۷.

۲. همان منبع، مواد ۱۶ و ۱۷.

3. Appellate Body, Working procedure for Appellate Review, Rule 6.

۴. نیکبخت، حمید رضا، ص ۱۱۸.

۵. فورگ، اریک کانال، ص ۴۱.

دیگر تمدید نماید.^۱ ۷ عضو اصلی به نحوی انتخاب می‌شوند که ۳ عضو آنها به مدت ۲ سال انتخاب شده و اعضایی که ۲ سال آنها اتمام یافته به‌طور اتوماتیک برای دوره ۴ ساله بعد نیز انتخاب می‌شوند.^۲ در ماده (۳) ۱۷ تفاهم‌نامه حل اختلاف آمده است که اعضا نهاد تجدید نظر افرادی هستند که قدرت آنان شناخته شده است و آگاهی و شناخت آنها از مسائل حقوقی تجارت بین‌المللی و به‌طور کلی از موافقتنامه‌های مورد نظر، محرز می‌باشد. این اعضا نباید هیچگونه رابطه‌ای با ادارات ملی داشته و ترکیب نهاد تجدید نظر باید نشانه‌ای از مجموعه سازمان تجارت جهانی باشد.^۳ اعضای نهاد تجدید نظر نباید در مأموریت خود از هیچیک از سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و حتی از نهادهای خصوصی رهنمود بگیرند. در حال حاضر دبیرخانه نهاد تجدید نظر از ۱۰ نفر حقوقدان تشکیل شده است که وظیفه اصلی آنها کمک به اعضا نهاد تجدید نظر می‌باشد. لازم به ذکر است که فقط طرفین اختلاف حق درخواست تجدید نظر را دارند.^۴

نهاد تجدید نظر نمی‌تواند مورد اختلاف را به هیئت رسیدگی به اختلافات جهت انجام تحقیقات بیشتر ارجاع داده و یا در خصوص موارد قانونی که طرفین اختلاف به آن اشاره نکرده‌اند، استناد نماید. عدم امکان (قدرت) بازگرداندن گزارش به هیئت رسیدگی‌کننده از سوی نهاد تجدید نظر به عقیده برخی از کارشناسان ضعف عمده‌ای در دستگاه فعلی نظام حل اختلاف ایجاد نموده است.^۵

درخواست تجدید نظر باید کتباً تسلیم ارگان حل اختلافات شود و هم‌زمان با آن یک درخواست تجدید نظر هم به دبیرخانه نهاد تجدید نظر ارائه می‌گردد. درخواست تجدید نظر از سوی هر یک از طرفین می‌تواند همان روزی که گزارش هیئت رسیدگی پخش می‌شود تسلیم گردد و یا اینکه قبل از تصویب گزارش هیئت رسیدگی توسط ارگان حل اختلافات که باید تا ۶۰ روز پس از پخش گزارش اعلام گردد،^۶ ارائه شود. درخواست تجدید نظر باید شامل خلاصه‌ای از ادعاهای نادرستی باشد که در مسائل حقوقی و در چارچوب گزارش هیئت رسیدگی و تفسیر حقوقی آنان ارائه شده است.

۱. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۱) ۱۷.

2. Howard Jackson, John, The Role and Effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism, op.cit, p. 6.

۳. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۳) ۱۷.

۴. همان منبع، ماده (۴) ۱۷.

5. Florentino, P, Feliciano and Van den bossche, op.cit, p. 322.

۶. همان منبع، ماده (۵) ۱۷.

زمان آیین رسیدگی نهاد تجدید نظر طبق ماده ۱۷ تفاهم نامه حل اختلاف، کوتاه است و همان‌گونه که بیان شد تا ۶۰ روز بوده و در هیچ موردی نباید از ۹۰ روز از تاریخی که طرف اختلاف تصمیم خود را مبنی بر استیناف اعلام می‌نماید، بیشتر شود.^۱

تمامی مکاتبات با نهاد تجدید نظر به صورت محرمانه است.^۲ ولی این مکاتبات در اختیار طرفین اختلاف و طرف ثالث شرکت کننده در حل اختلاف قرار می‌گیرد. به‌علاوه کلیه کارها و مذاکراتی که در نهاد تجدید نظر انجام می‌شود محرمانه صورت می‌گیرد و گزارش نهاد تجدیدنظر در غیاب طرفین اختلاف نوشته می‌شود و اظهار نظرات اعضای نهاد تجدید نظر بدون ذکر نام آنان در گزارشها ثبت می‌گردد.

نهاد تجدیدنظر صراحتاً اعلام می‌دارد که طبق مصوبات کنوانسیون ژنو در خصوص تعهدات، صلاحیت تفسیر موافقتنامه‌ها صرفاً با نهاد تجدید نظر می‌باشد.^۳

اگر نهاد تجدیدنظر نتواند در طی مدت ۶۰ روز گزارش خود را ارائه دهد باید کتباً دلیل تأخیر خود را به ارگان حل اختلافات اعلام نماید و این زمان حداکثر تا ۹۰ روز تمدید می‌شود.^۴

این گزارشها، ۳۰ روز پس از پخش توسط نهاد تجدید نظر میان اعضای سازمان تجارت جهانی، باید به تصویب ارگان حل اختلافات برسد و بدون قید و شرط مورد موافقت طرفین اختلاف قرار گیرد مگر اینکه ارگان حل اختلافات تصمیم دیگری گرفته باشد. به‌عبارت دیگر، نهاد تجدید نظر گزارش خود را تکمیل نموده و آن را به ارگان حل اختلافات که به‌صورتی اتوماتیک و بر اساس اجماع منفی است، جهت تصویب ارسال می‌دارد.^۵ این روند تصویب با حق اظهار نظر اعضای سازمان در مورد گزارش نهاد تجدیدنظر، منافاتی ندارد.^۶

هر گاه اقدامی برخلاف موافقتنامه صورت گیرد، ارگان حل اختلافات باید طبیعتاً به اعضا توصیه کند که در چارچوب موافقتنامه عمل کنند. هرچند که اغلب اوقات مشکل خاصی پیش نمی‌آید ولی در برخی موارد حساس سیاسی، عدم تطابق اعضا با

1. Petersman, Ernest-Ulrich, op. cit, p. 190.

۲. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۱۰) ۱۷.

3. Howard Jackson, John, the Role and effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism, op.cit, p. 7.

۴. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۵) ۱۷.

5. Howard Jackson, John, the Role and effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism, op.cit, p. 7.

۶. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، مواد (۱۴) ۱۷ و (۳) ۲۱.

موافقتنامه‌ها مشکل ایجاد می‌کند.^۱ در واقع تنها راه مؤثر در این خصوص، توقف اقدام غیرقانونی است.^۲

ه. تعیین مهلت مناسب^۳

تفاهم‌نامه حل اختلاف به روشنی اظهار می‌دارد که جبران خسارات و تعلیق امتیازات (اقدامات متقابل) صرفاً راه‌های موقتی یا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت در حل اختلافات می‌باشند.^۴

برای آنکه اختلافات به‌طور مؤثر حل شود و به نفع تمام اعضاء باشد، لازم است زمان ممکن برای اجرای توصیه‌ها و تصمیمات اتخاذ شده از سوی ارگان حل اختلافات، تا حد ممکن کوتاه باشد. با این حال، از آنجا که ممکن است عضوی نتواند سریعاً خود را با توصیه‌ها و تصمیمات هماهنگ سازد، تفاهم‌نامه حل اختلاف «مهلت مناسبی»^۵ را برای آنان به شرح زیر در نظر گرفته است:

۱. مهلتی که از سوی یکی از اعضاء پیشنهاد شود به شرط آن که مورد تصویب ارگان حل اختلافات قرار گیرد؛

۲. مهلتی که طرفین اختلاف مشترکاً برای ۴۵ روز پس از تصویب توصیه‌ها و تصمیمات به توافق برسند؛

۳. مهلتی که برای ۹۰ روز پس از تصویب توصیه‌ها و تصمیمات تعیین می‌شود. معمولاً طرف شاکی درخواست ارجاع به‌داوری می‌نماید اما به‌ندرت اتفاق می‌افتد که طرف متشاکی نیز این درخواست را داشته باشد.^۶ در چنین حالتی اگر طرفین اختلاف در مورد تعیین داور تا ۱۰ روز به توافق نرسند، مدیر کل سازمان تجارت جهانی طی ۱۰ روز دیگر و پس از مشورت با طرفین اختلاف، داور را تعیین می‌کند. پس از تعیین داور وی باید توصیه‌های هیئت رسیدگی یا نهاد تجدیدنظر را در کمتر از ۱۵ ماه از زمان تصویب گزارش هیئت رسیدگی یا نهاد تجدید نظر اجرا نماید. ممکن است این مدت، تعیین شده بسته به شرایط تغییر کند ولی نباید متجاوز از ۱۸ ماه باشد.^۷

۱. همان منبع، ماده ۱۹.

2. Valles, Cherise M. and McGivern, Brendan P. ,The Right to Retaliate under the WTO Agreement, Journal of World Trade, Kluwer Law International, Great Britain, 2000, P. 67.

۳. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده (۳) ۲۱، شقوق فو. b.

4. Wilson, Bruce, op.cit, p. 88.

5. Reasonable Period of Time

6. Howard Jackson, John, The Role and Effectiveness of the Dispute Settlement Mechanism, op.cit, p. 6.

۷. همان منبع، ماده (۴) ۲۱.

و. جبران و تعلیق امتیازات^۱

در اغلب موارد، طرفین دعوا موفق می‌شوند که توصیه‌ها و تصمیمات تصویب شده از سوی ارگان حل و فصل اختلافات را به طور دوستانه اجرا نمایند.

با توجه به متن گزارش نهاد تجدید نظر مبنی بر صراحت تفاهم نامه حل اختلاف در خصوص لزوم قابلیت استناد تفاسیر هیئت رسیدگی به متون قانونی در خصوص موضوعات درخواست شده جهت استیناف، این نهاد ممکن است یافته‌ها و نتایج هیئت رسیدگی را تأیید، اصلاح، و یا تعویض نماید.^۲

یکی از وظایف مهم ارگان حل اختلافات این است که پس از تصویب توصیه‌ها و تصمیمات هیئت‌های رسیدگی و نهاد تجدید نظر مراقب اجرای آنها باشد به طوری که ۶ ماه پس از آغاز «مهلت مناسب» باید این موضوع در دستور کار اولین جلسه‌ی گردهمایی ارگان حل اختلافات قرار گیرد و تا زمانی که این توصیه‌ها و تصمیمات اجرا نشده، این موضوع باید همچنان در دستور کار گردهمایی‌های ارگان قرار داشته باشد. لازم است حداقل ۱۰ روز قبل از تشکیل هر یک از گردهمایی‌های ارگان، عضو ذیربط گزارش کتبی از وضعیت اجرای توصیه‌ها و تصمیمات را به ارگان حل و فصل اختلافات ارائه نماید. این روند دادرسی نقش مهمی در ایجاد فشار چند جانبه بر عضو مربوطه جهت اتخاذ سریعتر راه حل به وجود می‌آورد.^۳

در مواردی که عدم سازگاری با قواعد سازمان تجارت جهانی در جهت تطابق با توصیه‌ها و تصمیمات دیده شود، این مشکل می‌تواند با توجه به آیین دادرسی حل اختلافاتی که در تفاهم‌نامه حل اختلاف پیش‌بینی شده و با ارجاع به هیئت رسیدگی اولیه، رفع گردد. به‌علاوه هیئت رسیدگی در این مورد باید گزارش خود را طی ۹۰ روز پس از ارجاع موضوع، ارائه نماید. اگر هیئت رسیدگی تشخیص دهد که در این مدت نمی‌تواند گزارش خود را تسلیم کند، باید ضمن عنوان کردن علت تأخیر، زمان نهایی ارائه گزارش خود را نیز تعیین کند.^۴

در خصوص تصمیم به تعلیق امتیازات، چنانچه دولت مربوطه به‌سطح تعلیق اعتراض داشته باشد، مورد باید به‌داوری که مرحله نهایی است ارجاع شود. این داوری توسط هیئت رسیدگی اصلی (اولیه) صورت خواهد گرفت. اگر عضوی که محکوم است

1. Compensation and the Suspension of Concessions

2. Wilson, Bruce, op.cit, p 71.

۳. تفاهم نامه حل اختلاف ۱۹۹۴، ماده ۲۲.

۴. همان منبع.

توانند خود را با توصیه‌ها و تصمیمات تصویب شده از سوی ارگان حل اختلافات در «مهلت مناسب» تطبیق دهد، در این صورت برای او «جبران غرامت» یا «تعلیق امتیازات» یا تعزیرات دیگری در نظر گرفته می‌شود ولی هیچیک از این موارد به اندازه اینکه عضو محکوم، به تطبیق با موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی متعهد شود موثر نیست.^۱ جدا از نظام فوق‌الذکر و به‌عنوان جایگزین آن، سیستم حل اختلافات سازمان تجارت جهانی، استفاده از داوری را به‌عنوان یک روش تسهیل‌کننده و سریع حل و فصل اختلافات، پیشنهاد می‌کند. ماده ۲۵ تفاهم‌نامه حل اختلاف مصوبه سال ۱۹۹۴ در این خصوص چنین مقرر می‌دارد:

۱. **داوری سریع**^۲: که در داخل سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد و به‌عنوان یک روش جایگزین برای حل دعاوی و رسیدگی به موضوعاتی که به وضوح توسط هر دو طرف تعریف می‌شوند، شناخته شده است.

۲. **توسل به داوری**^۳، چنانچه نحوه دیگری در این تفاهم‌نامه مقرر نشده باشد، منوط به توافق دو جانبه طرفین خواهد بود و در خصوص آیینی که باید از آن متابعت شود، توافق خواهند کرد (قرارداد داوری). توافقات توسل به داوری در مهلتی کافی قبل از شروع واقعی جریان داوری، به همه اعضاء اعلام خواهد شد.

لازم به ذکر است که اختلافات مربوط به تفسیر تفاهم‌نامه مؤسس سازمان، و توافقتنامه‌های تجاری چندجانبه الحاقی منحصراً در حوزه اختیارات کنفرانس وزراء و شورای عمومی سازمان می‌باشد که در هر دو نهاد، همه کشورهای عضو می‌توانند نماینده داشته باشند.^۴ اثر این قاعده صلاحیت تفسیر نهایی و الزام‌آور بودن توافقتنامه‌هاست که بیشتر همانند پروتکل‌های تفسیری، جنبه سیاستی و خط‌مشی دارد، و منحصراً برای ارگان سیاسی سازمان در نظر گرفته شده است.^۵

باید به خاطر داشت که گزارش هیئت‌های رسیدگی یا هیئت‌های استیناف گرچه از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند، اما تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقدامات هیئت‌های بعدی خواهند داشت.^۶

۱. فورگ، باریک کانال، ص ۴۳.

2. Expeditious Arbitration
3. Resort to Arbitration

۴. موافقتنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی، ماده (۲) IX.

۵. نیکیت، حمیدرضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، همان منبع، صص ۱۲۱-۱۲۰.

۶. همان منبع، ص ۱۲۱.

مطالعه موردی و بررسی تأثیر حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی

در اینجا به بررسی یک مورد دعوی، که هم به جهت جداول زمانی آیین رسیدگی و هم به دلیل آنکه تنها موردی است که تحت گات در خصوص فرآورده های نفتی طرح و رسیدگی شده است، می پردازیم و سپس تأثیر حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی را از نظر سرمایه گذاران و بنگاه های اقتصادی مورد مطالعه قرار داده و در نهایت به لحاظ اهمیت، به بررسی این آثار در کشورهای در حال توسعه خواهیم پرداخت.

۱. مطالعه موردی حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی^۱

موضوع مورد بحث به اعتراض دولت ونزوئلا نسبت به وضع استانداردهایی در ایالات متحده در مورد بنزین (پرونده شماره WT/DS2) بر می گردد. این موضوع با هدف جانبی بررسی اهمیت و کارکرد جداول زمانی رسیدگی در ارگان حل اختلاف مورد مطالعه قرار می گیرد.

ونزوئلا در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۹۵ به ارگان حل اختلاف اطلاع داد که ایالات متحده در حال اعمال مقرراتی است که واردات بنزین را مورد تبعیض قرار می دهد و رسماً خواستار آغاز مشورت ها با ایالات متحده شد. علت طرح دعوی آن بود که ایالات متحده استانداردهای سخت گیرانه تری را در مورد ویژگی های شیمیایی بنزین وارداتی نسبت به بنزین تولید و پالایش شده در داخل کشور وضع نموده بود. دولت های ونزوئلا و برزیل معتقد بودند که این اقدام غیرعادلانه است، چرا که استانداردهای مورد نظر در مورد بنزین آمریکایی اعمال نمی گردد و این ناقض اصل رفتار ملی بوده، ضمناً بر اساس استثنائات قواعد سازمان تجارت جهانی در مورد حفاظت از محیط زیست و بهداشت، قابل توجیه نیست.

تنها یک سال بعد از این تاریخ (یعنی در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۹۶) بود که هیئت رسیدگی به اختلاف، گزارش نهایی خود را تسلیم نمود (در آن زمان، برزیل نیز با طرح شکایت خود در آوریل ۱۹۹۶، وارد قضیه شد و همان هیئت رسیدگی، مسئول رسیدگی به هر دو شکایت شد). ایالات متحده از تصمیم هیئت رسیدگی درخواست استیناف کرد. هیئت استیناف به سرعت به موضوع رسیدگی کرد و هیئت رسیدگی به حل اختلاف در تاریخ ۲۰ ماه می سال ۱۹۹۶ یعنی فقط یک سال و چهار ماه بعد از طرح

۱. موسوی زنوز، موسی، ساز و کار حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، (جزوه آموزشی)، دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران زمستان ۸۱، ص ۷.

اولین شکایت، گزارش دادگاه استیناف را تصویب نمود.

سپس ایالات متحده و برزیل ظرف شش ماه و نیم در مورد این که چگونه باید رضایت ونزوئلا جلب شود توافق کردند. مهلت اجرای راه حل قضیه ۱۵ ماه بعد از پایان مرحله استیناف (یعنی از ۲۰ می تا اوت سال ۱۹۹۷) تعیین شد. هیئت حل اختلاف در طول این دوره بر نحوه اجرای توافقات طرفین و توصیه‌های این هیئت نظارت داشت. برای مثال، ایالات متحده براساس تعهدش در تاریخ‌های ۹ ژانویه و ۱۳ فوریه ۱۹۹۷، دو گزارش از وضعیت اجرا را تسلیم هیئت حل اختلاف نمود. هیئت رسیدگی کننده نظر ونزوئلا و برزیل را پذیرفت. گزارش هیئت استیناف نیز (تنها با اعمال اصلاحاتی در تفاسیر حقوقی هیئت رسیدگی) نتایج هیئت رسیدگی را تأیید کرد. ایالات متحده هم در نهایت با ونزوئلا توافق کرد که مقررات خود را ظرف ۱۵ ماه اصلاح کند. این کشور در تاریخ ۲۶ اوت سال ۱۹۹۷ به هیئت حل اختلاف گزارش داد که در تاریخ ۱۹ اوت آن سال (یعنی در مهلت مقرر) مقررات جدید را جایگزین مقررات قبلی خود کرده است. لازم به ذکر است که در خصوص این پرونده، این صادرکنندگان کالا بودند که دولت‌های متبوع خود را از وجود موازین خلاف مقررات سازمان تجارت جهانی در کشور دیگر مطلع ساختند و در جریان رسیدگی به پرونده و اجرای توصیه‌های هیئت حل اختلاف در تعامل با دولت متبوع خود بودند. به علاوه در این قضیه شاهد اهمیت و تأثیر مثبت نحوه عملکرد و توافق طرفین در پیدا کردن راه‌حل‌ها هستیم.

۲. بررسی آثار حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی

در این مبحث ابتدا به بررسی آثار حل اختلاف برای سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی و سپس به جهت اهمیت، به آثار حل و فصل اختلافات در کشورهای در حال توسعه می‌پردازیم.

۲-۱. بررسی آثار حل اختلاف بر سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی^۱

بازرگانان و بنگاه‌های تجاری اعم از تولیدکنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان عاملان اصلی عرصه تجارت بین‌الملل‌اند و در واقع نتیجه تمامی مقررات و حقوق و تعهدات کشورها را حس می‌کنند. بدین ترتیب آنان باید از وجود مکانیزم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی اطمینان داشته و نسبت به رعایت مقررات و حفظ حقوق و تعهدات

۱. همان منبع.

که به‌طور مستقیم بر عملکرد سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد کوشا باشند. نکته بسیار مهم آن است که سرمایه‌گذاران به‌طور سنتی خسارات ناشی از سیاست‌های اقتصادی مؤثر بر اقتصاد کشورهای متبوع، شرکاء و طرف‌های سرمایه‌گذاری خود (و حتی کشورهای متبوع خودشان) را تقریباً غیرقابل جبران می‌دانستند و تنها کاری که در قبال چنین خطری انجام می‌دادند این بود که ریسک مربوطه را در محاسبه قیمت کالا در نظر می‌گرفتند.

این اقدام آنان یا از طریق افزایش حق بیمه به افزایش قیمت می‌انجامید و یا به‌طور مستقیم قیمت‌ها را بالا می‌برد. در واقع، حال آنکه این روش نه تنها بر خلاف انتظار ایشان، به جبران خسارت نمی‌انجامید بلکه هیچ کمکی به جریان تجارت نمی‌کرد. به هر حال احتمال ایراد خسارت به سرمایه‌گذاران در تجارت بین‌المللی به علت عملکرد و سیاست‌های مؤثر بر تجارت دولت‌ها، خود به تنهایی عاملی در جهت محدودیت جریان تجارت بین‌الملل است و محاسبه ریسک مربوط به علت افزایش قیمت کالا و خدمات نیز هرگز به نتیجه مطلوب سرمایه‌گذاران یعنی افزایش سرمایه‌گذاری مطمئن در سطح بین‌المللی نمی‌انجامد. سازمان تجارت جهانی با پوشش دادن تقریباً تمامی حوزه‌های مؤثر بر تجارت در سیاست‌ها و عملکرد دولت‌های عضو، مقررات و الزاماتی را بر ایشان اعمال می‌کند و مکانیزم‌های حل اختلافات نیز به‌عنوان ضمانت اجرای این مقررات و الزامات به سرمایه‌گذاران این امکان را داده است که در صورت مشاهده اعمال سیاست‌ها یا انجام اقدامات خلاف این مقررات و الزامات توسط دولت‌های دیگر، موضوع را از طریق دولت خود در ارگان حل اختلافات سازمان تجارت جهانی مطرح ساخته و خسارت وارده را جبران کنند.

سازمان تجارت جهانی به‌عنوان مجمعی برای مذاکرات، حل و فصل اختلافات و بررسی سیاست‌های تجاری شناخته شده است. اما سرمایه‌گذاران و تجار باید در نظر داشته باشند که سازمان تجارت جهانی، محل حل اختلافات خصوصی ناشی از رابطه تجاری خاص فی‌مابین ایشان و طرف‌های تجاری‌شان نیست. دعاوی خصوصی افراد در حیطه حقوق خصوصی قرار دارد، حال آنکه سازمان تجارت جهانی ناظر بر عملکرد دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی است. دعاوی مربوطه در سازمان تجارت جهانی مشمول حقوق تجارت نمی‌باشد، که روابط خصوصی افراد را حتی در سطح تجارت بین‌المللی تنظیم می‌کند، بلکه این دعاوی در قلمرو حقوق بین‌الملل قرار دارند که تنظیم‌کننده روابط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی است و اصول و قواعد آن با حقوق خصوصی تفاوت دارد. از سویی دعاوی مطروحه در رکن حل اختلاف سازمان

تجارت جهانی، دعاوی بین دولتهاست و بازرگانان تنها از طریق دولت متبوع خود در جریان دعوی قرار می‌گیرند و البته اطلاعاتی که ایشان در مورد اقدامات و سیاست‌های دولت‌های دیگر به دست آورده‌اند در اختیار دولت متبوع خود قرار می‌دهند که حائز اهمیت بسیاری است.

۲-۲. بررسی آثار حل اختلاف بر کشورهای در حال توسعه^۱

بررسی اثرات سازمان تجارت جهانی از منظر کشورهای در حال توسعه، همواره بستگی به مطالعه برخورد خاص سازمان تجارت جهانی و کشورهای عضو آن با کشورهای در حال توسعه داشته است. این کشورها، انتظار دارند که کشورهای توسعه‌یافته برخوردی ترجیح آمیز با ایشان داشته باشند. این انتظار در بسیاری موارد برآورده شده است، اگر چه در مواردی کشورهای در حال توسعه معتقد بودند که این برخوردها چندان مثمرتر نبوده است. گذشته از این موضوع، تعهدات مختلفی که عضویت در سازمان تجارت جهانی بر کشورها تحمیل می‌کند، به علت عدم توانایی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، این کشورها را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است. ساز و کار حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی نیز، از یک سو مقررات ترجیح آمیزی را برای کشورهای در حال توسعه پیش بینی کرده و از سوی دیگر به دلیل اعمال محدودیت تولید و تحدید حاکمیت ملی بر منابع طبیعی، چالش‌هایی را پیش روی ایشان نهاده است و البته نباید فراموش کرد که فارغ از این ترجیحات و چالش‌ها، ساز و کار مزبور منافی را هم برای این کشورها در بر دارد.

آنچه در زمینه رفتار ترجیح‌آمیز می‌توان گفت آن است که در طول مشورت‌ها، اعضاء موظف شده‌اند مشکلات و علایق ویژه کشورهای در حال توسعه را مورد توجه خاص قرار دهند. در تشکیل هیئت‌های رسیدگی‌کننده نیز چنانچه یکی از طرف‌های اختلاف، کشور در حال توسعه باشد، حداقل یک عضو هیئت رسیدگی‌کننده باید در صورت تقاضای آن کشور از کشورهای در حال توسعه انتخاب شود. در زمینه تشریفات رسیدگی هیئت‌ها نیز چنانچه یکی از طرف‌های دعوی کشور در حال توسعه باشد، گزارش هیئت باید صراحتاً نشانگر چگونگی توجه هیئت به مقررات مربوط به رفتار ویژه و ترجیح آمیز هر یک از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی که از سوی آن کشور مطرح شده است، باشد. در مرحله اجرا و نظارت بر اجرای توصیه‌ها و احکام نیز باید

۱. همان منبع.

موضوعات مؤثر بر منافع کشورهای در حال توسعه مورد توجه خاص قرار گیرند. چنانچه دعوی توسط یک کشور در حال توسعه مطرح شده باشد، ارگان حل اختلاف باید (علاوه بر اعمال ساز و کار عادی نظارت بر اجرا) بررسی کند که با در نظر گرفتن حوزه شمول اقداماتی که مورد اعتراض قرار گرفته‌اند و همچنین تأثیرات این اقدامات بر اقتصاد کشور در حال توسعه مورد نظر، چه اقدام دیگری را می‌توان صورت داد. همچنین کشورهای در حال توسعه حق دارند در جریان دعوی از کمک‌ها و توصیه‌های حقوقی کارشناسان واجد شرایط سازمان تجارت جهانی، سود جویند.

منافع ناشی از سازوکار حل اختلافات سازمان تجارت جهانی برای کشورهای در حال توسعه، به آنچه ذکر شد محدود نمی‌گردد. مهمترین منفعت ناشی از این سازو کار برای این کشورها به یکی از اصول عملکرد آن یعنی تکیه بر اقدامات یک‌جانبه علیه کشورهای در حال توسعه برمی‌گردد.

به علاوه اطمینان ناشی از وجود این ساز و کار نسبت به رعایت مقررات و تعهدات سازمان تجارت جهانی، برای تمامی کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه که از ابزار اقتصادی چندانی برای تضمین منافعشان در رابطه با شرکای تجاری قدرتمندشان برخوردار نیستند، حائز ارزش بسیاری است.

ویژگی‌های خودکار بودن و محدودیت زمانی فرآیند حل اختلافات نیز به نوبه خود در بردارنده منافی برای کشورهای در حال توسعه است.

البته کشورهای در حال توسعه برای سود بردن از ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. از آنجا که توسل به این ساز و کار برای حل اختلافات معمولاً متضمن اعلام وجود موازین یا اقدامات خلاف مقررات سازمان تجارت جهانی در کشوری توسط سرمایه‌گذاران و تجار کشورهای دیگر می‌باشد، وجود رابطه‌ای سیستماتیک و منسجم میان آنان از جمله صنایع، تولیدکنندگان و صادرکنندگان با دولت حائز اهمیت و ضرورت فراوانی است.

لیکن متأسفانه چنین رابطه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. به علاوه سود جستن از این ساز و کار مستلزم آگاهی و اطلاع از مقررات سازمان تجارت جهانی و حقوق و تعهدات کشور خود و همچنین حقوق و تعهدات کشورهای دیگر در سطح عمومی (اعم از دولت و جامعه) می‌باشد، که این نیز وجود نظام آموزشی و اطلاع رسانی جامع و گسترده‌ای را می‌طلبد، اما متأسفانه کشورهای در حال توسعه معمولاً فاقد چنین نظامی می‌باشند. از سوی دیگر، کشورهای توسعه یافته به منظور حصول اطمینان از حفظ منافع سرمایه‌گذاران خود، نهادهای بسیار کارآمدی را برای

بررسی رفتار کشورهای دیگر در زمینه تجارت بین‌الملل و سیاست‌های تجاری، در جریان دعاوی ایجاد کرده‌اند. برای مثال در ایالات متحده، سازمانی وجود دارد که مسئول نظارت بر نحوه قیمت‌گذاری کشورها بر کالاهای صادراتی‌شان جهت جلوگیری از قیمت‌شکنی (دامپینگ) می‌باشد. این کشور روش‌های پیچیده‌ای برای این بررسی به کار می‌برد. ایجاد چنین نهادها و انجام چنین بررسی‌هایی مسلماً مستلزم صرف هزینه‌ای قابل توجه است، در حالی که کشورهای در حال توسعه عمدتاً نه توان مالی چنین کاری را دارند و نه از زیرساخت‌های اداری لازم برای سود جستن از آن برخوردارند. ضمن اینکه این کار پشتوانه علمی قابل توجهی را می‌طلبد.

با توجه به مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد طرح دعوی نزد ارگان حل اختلاف یا شرکت در آن به عنوان خوانده و پیگیری امر، علاوه بر صرف هزینه‌های هنگفت، مستلزم وجود زمینه‌های علمی و تحقیقاتی لازم و همین‌طور نهادهای اداری و حقوقی مربوطه در کشورهای عضو می‌باشد و این در حالی است که بیشتر کشورهای در حال توسعه از هیچیک از توانایی‌ها، و نهادهای مورد نظر برخوردار نیستند.

۳. بررسی آثار سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت و کشورهای صادرکننده نفت^۱

در دوره‌های نخست مذاکرات تجاری گات، فقط اندونزی (۱۹۵۰)، نيجریه (۱۹۶۰) و کویت (۱۹۶۳) در گات حضور داشتند. کشورهای صادرکننده نفت باید این واقعیت را بپذیرند که دیر یا زود ناچار خواهند شد تا در سیاست‌گذاری‌های خود تجدید نظر کرده و روش تدوین سیاست‌های نفتی خود را به ویژه در موضوعات مرتبط با یارانه انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات بخش انرژی، با نظام نوین تجارت آزاد جهانی تطبیق دهند. با توجه به اهمیت درآمدهای نفتی حاصله از صدور نفت برای کشورهای صادرکننده، و نقش این منبع مهم انرژی در برنامه‌های توسعه کشورهای مزبور، روند آزادسازی و مقررات‌زدایی در بخش نفت، تبعات اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

۳-۱. بررسی آثار سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت^۲

بسیاری از مقررات و قوانین مربوط به نفت در گات بدواً تحت عنوان مقررات اختیاری

1. Walde, Thomas, op.cit. pp. 29, 30 .

2. Ibid , p. 54.

معرفی، ولی متعاقباً به صورت قواعد اجباری و الزام‌آور به مجموعه مقررات واحد سازمان تجارت جهانی اضافه شدند. گنجاندن نفت در دوره‌های آتی مذاکرات، مطرح کردن تبعیضی است که کشورهای مصرف‌کننده در خصوص این منبع مهم انرژی اعمال می‌کنند و مالیاتها و تعرفه سنگینی که بر واردات نفت و فرآورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده وضع شده بسیار سنگین و تبعیض‌آمیز است و موجب محدود شدن تقاضا و روند تجارت آزاد می‌شود.

اعضای سازمان تجارت جهانی در مذاکرات خود پیرامون تجارت خدمات، سرگرم مذاکره بر سر تعاریف و ارائه طبقه‌بندی خاصی برای خدمات انرژی بوده‌اند.

ایالات متحده و اتحادیه اروپا در این خصوص پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند. در این پیشنهادها سعی شده است خدمات انرژی (از دیدگاه منافع آمریکا و اتحادیه اروپا) تفکیک شده و منعکس‌کننده واقعیت‌های بخش انرژی باشند و خدمات متنوعی را که کل زنجیره خدمات انرژی را تشکیل می‌دهد در برگیرند. طرح پیشنهادی ایالات متحده مبتنی بر این فرض بود که دولت‌ها در کشورهای تولیدکننده نفت، دست به خصوصی‌سازی گسترده‌ای زده‌اند و بسیاری از شرکت‌های تحت تملک خود را به بخش خصوصی واگذار نموده‌اند. بدین طریق فرصت‌های ویژه‌ای برای ارائه خدمات از سوی بخش خصوصی خارجی فراهم شده است.

جدای از بحث انرژی، دولت آمریکا در مسائل صنعتی به برخی از تولیدکنندگان خود بخشودگی مالیاتی داده است که تابع قوانین مالیاتی این کشور می‌باشند. نتیجه این کار این است که تولیدکننده مزبور می‌تواند جنس تولید شده را ارزان‌تر عرضه کنند و کسی نمی‌تواند با آن رقابت کند. آمریکا در پاسخ به اعتراضات در این مورد مدعی بخشودگی مالیاتی به عنوان پاداش تولید و عرضه خوب محصولات است.^۱

۲-۳. بررسی آثار سازمان تجارت جهانی بر کشورهای صادرکننده نفت

در این مبحث به بررسی وضعیت کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سازمان تجارت جهانی و نیز عضویت آنها در آن سازمان می‌پردازیم.

الف. وضعیت کشورهای صادرکننده نفت در سازمان تجارت جهانی

با توجه به اینکه کشورهای عضو اوپک جزء کشورهای در حال توسعه بوده و اقتصاد آنها

۱. روسانی، شاپور، شرط مطلوب برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، روزنامه ایران، سال یازدهم، شماره ۳۱۰۱، سه شنبه ۲۳ / فروردین/ ۱۳۸۴، ص ۱۸.

متکی بر ذخایر طبیعی می‌باشد، اثرات سازمان تجارت جهانی بر این کشورها بر حق حاکمیت بر ذخایر طبیعی و مزیت‌های نسبی آنها متمرکز می‌باشد. این کشورها، ممکن است در استفاده از مزایای نسبی ذخایر طبیعی خود به منظور توسعه با محدودیت‌هایی مواجه باشند، اما باید با این حقیقت روبه‌رو شوند که احتمالاً لازم است سیاست‌های سنتی آنها مورد باز بینی قرار گرفته و با سیستم جدید سازگار شود.^۱

همچنین کشورهای عضو اوپک می‌توانند از مزایای قواعد ویژه برای کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی استفاده کنند، البته این کشورها باید بتوانند دلایل در حال توسعه بودن خود را ثابت کنند. البته این کار آسان نخواهد بود، زیرا کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی امروزه در برابر این ادعا مقاومت کرده و به سادگی نمی‌پذیرند که این امتیازات را به کشورها اعطا کنند. باید توجه شود که علیرغم وجود هزینه‌های مذکور و محدود شدن حق حاکمیت دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع و سیاست‌گذار بیهای بخش نفت، امروزه، پیوستن به سازمان تجارت جهانی به سادگی گذشته نیست و کشورهایی که به تازگی می‌خواهند عضو این سازمان شوند باید هزینه‌های به مراتب سنگین‌تری از گذشته بپردازند. به عبارتی تهدید حاکمیت ملی برای آنها بیشتر شده است.

به‌عنوان مثال از کشور عمان در جریان مذاکرات الحاق درخواست شد تا به عضویت توافقنامه‌های چندگانه درآید. همچنین عمان پذیرفت که طبق ماده ۱۷ توافقنامه گات شرکت ملی نفت عمان به عنوان یک شرکت بازرگانی دولتی اداره شود و بخش خدمات خود، شامل خدمات اکتشاف ذخایر نفتی و توزیع انرژی برق را بی‌قید و شرط به روی رقابت بین‌المللی گشود.^۲

ب. عضویت کشورهای صادرکننده نفت در سازمان تجارت جهانی^۳

در ماه مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، اوپک رسماً از سازمان تجارت جهانی درخواست کرد تا به عنوان ناظر در جلسات کمیته‌های مختلف این سازمان، از جمله شورای عمومی، کمیته تجارت و توسعه، و کمیته تجارت و محیط زیست شرکت کند. البته کشورهای عضو اوپک نمی‌توانند بر نتایج مذاکرات گات و سازمان تجارت جهانی تأثیر بگذارند زیرا

۱. باغیان، علی، فرآیند الحاق، نگاهی به روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، روزنامه همشهری، سال سیزدهم، شماره ۳۷۱۱، دوشنبه ۹ خرداد/۱۳۸۴، ص ۱۲.

۲. همان منبع.

3. Walde, Thomas; Legal and policy Implications of a Relationship of Two International Treaties in Natural Energy Resources: OPEC and the ECT, CBPMLP/Dundee February 2002

آنها در پی‌ریزی این معاهدات نقشی نداشتند (بیشتر آنها عضو نبودند و عقیده داشتند که وضعیت استراتژیک نفت برای مستثنی شدن از هر نوع قوانین تجاری چندجانبه کافی است). در نتیجه به اصطلاح هیدروکربورها از مذاکرات گات کنار گذاشته شدند. درمقابل، تجارت محصولات صنعتی، نقش محوری در این توافقات دارند. به‌طور کلی در مورد کشورهای صادرکننده نفت حقیقت امر این است که تعدادی از اعضای اوپک از قبل عضو سازمان تجارت جهانی بودند و دیگر اعضا نیز در حال طی کردن فرآیند الحاق به این سازمان هستند. به عقیده نگارنده، آنچه مسلم است توافقات‌های سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت مؤثر بوده و می‌تواند ظرفیت و توانایی کشورهای صادرکننده نفت را در بهره‌برداری از ذخایر طبیعی خود (اعمال حق حاکمیت) که برای تسریع و پیشبرد روند توسعه صنعتی و اقتصادی کشورشان صورت می‌گیرد، محدود سازد.

چشم انداز نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی^۱

در ژانویه سال ۲۰۰۵ مقارن با دهمین سال تأسیس سازمان تجارت جهانی، گزارشی تحت عنوان آینده سازمان تجارت جهانی، توسط یک هیئت مشورتی ۸ نفره مستقل، توسط پیتر ساترلند، آخرین دبیر کل گات تهیه شد. فصل ششم از این گزارش تحت عنوان نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی می‌باشد که به طرح بخش اول آن می‌پردازیم.

روند فعلی حل اختلافات در سازمان تجارت جهانی که نتیجه کار سخت، دقیق و مبتکرانه در دور اورگوئه می‌باشد، قابل تحسین است و قدمی مهم و مثبت در راه رسیدن به نظام عمومی قاعده‌مند دیپلماسی تجاری بین‌الملل به شمار می‌رود. از بسیاری جهات این نظام به اهداف بزرگی دست یافته و برخی از ویژگی‌های اساسی «امنیت و قابلیت پیش بینی»^۲ را که تجار و سایر نقش‌آفرینان بازار به آن احتیاج دارند و در ماده ۳ تفاهم نامه حل اختلاف (DSU) مورد تأکید قرار گرفته است، تأمین می‌کند.

از طرف دیگر، نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را می‌توان در یکی از نقاط حساس و مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ کوتاه حیات آن در نظر گرفت. در این ارزیابی

1. Sutherland, Peter, The Future of WTO, The WTO Dispute Settlement System, Chapter V, (Report of 2005), www.irtr.ir/newsletter/73/9.htm

2. Security and Predictability

و توصیه‌هایی که در رابطه با نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارائه می‌شود، چند اصل کلی در نظر گرفته شده است: اول آنکه با وجود اینکه زمینه‌هایی برای انتقاد و اصلاحات کلی در نظام حل اختلاف وجود دارد اما در عین حال روشهای اجرایی و عملکرد این نظام رضایت‌بخش است، ولی لازم است برای ایجاد هرگونه تغییر اساسی جوانب احتیاط رعایت شود.^۱

الف: عملکرد نظام حل اختلاف^۲

بر اساس بسیاری از معیارها و مقیاس‌های ارزیابی می‌توان اظهار داشت که نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی یک موفقیت بزرگ به شمار می‌آید. یکی از جنبه‌های جالب اختلافات ارجاع‌شده به این ارگان، مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه در آن، در مقایسه با نظام حل اختلاف‌گات، می‌باشد. البته قدرت‌های بزرگ تجاری کماکان در بسیاری از پرونده‌ها به عنوان خواننده یا خواهان حضور دارند چرا که با توجه به میزان وسیع تجارت آنها با تعداد روزافزون بازار کشورهای دیگر، چیزی جز این نمی‌توان انتظار داشت. در عوض کشورهای در حال توسعه (حتی برخی از فقیرترین آنها نیز با ارائه کمک‌های حقوقی که دریافت می‌دارند) به‌طور روزافزون بر قدرت خود می‌افزایند.

واقعیت جالب دیگر این است که کمتر از نیمی از دعاوی وارد جریان رسیدگی هیئت‌ها می‌شوند. دعاوی باقیمانده پرونده‌هایی هستند که یا با مشورت حل و فصل می‌شوند و یا از طرح آنها صرف‌نظر می‌شود. هدف نظام حل اختلاف همیشه این بوده است که مذاکرات قبل از ارجاع پرونده به دادگاه را تشویق نماید. علاوه‌براین، جریان دعوی یک «جریان آموزشی» برای کشورهای طرف دعوا می‌باشد. بعضاً کشورها قادرند از روی پرونده‌های متعددی که هم اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد، نتیجه دعوا را پیش‌بینی کنند و همین امر منجر به حل و فصل دعاوی می‌گردد.^۳

ب. عملکرد ارگان حل اختلاف^۴

از ابتدای ژانویه ۱۹۹۵ که سازمان تجارت جهانی جایگزین گات شد و وظیفه حل و فصل

۱. موسوی زنون، موسی، همان منبع، ص ۱۰.

2. Ibid , p. 37.

۳. خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران، سال نهم، شماره ۷۲، مرداد ماه ۱۳۸۴، ص ۳۵.

۴. دژم خوی، غزاله، بررسی اجمالی نظام حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱ مرداد و شهریور ۸۲.

اختلافات تجاری کشورهای عضو، به بخش حل اختلاف این سازمان سپرده شد، تا اول سپتامبر ۲۰۰۵، تعداد ۳۳۲ پرونده به این سازمان ارجاع داده شده‌است. این تعداد پرونده بیش از تعداد اختلافاتی است که در تاریخ ۵۰ ساله گات اقامه گردیده است.

در بررسی عمر ۱۰ ساله سازمان تجارت جهانی، اکثر دعاوی توسط کشورهای صنعتی مطرح شده و این کشورها در ۲۰۸ دعوا خواهان و در ۱۹۷ دعوا خوانده قرار گرفته‌اند. از طرف، دیگر کشورهای در حال توسعه در این مدت ۱۳۹ دعوا را در بخش حل اختلاف سازمان تجارت جهانی اقامه کرده‌اند و در ۱۲۳ دعوا طرف خوانده قرار گرفته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت در این مدت، کشورهای کمتر توسعه یافته از ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی استفاده نکرده‌اند و صرفاً در برخی از دعاوی به عنوان طرف ثالث مشارکت کرده‌اند. اولین کشور در کمترین درجه توسعه یافتگی که دعوی را در سازمان تجارت جهانی مطرح کرده، بنگلادش می‌باشد که در ژانویه سال ۲۰۰۰ درخواست مشورت خود را تقدیم بخش حل اختلاف کرد.

در حقیقت، ۳۰ درصد شکایت‌هایی که به نهاد تجدید نظر برده می‌شود از سوی کشورهای در حال توسعه است و نکته جالب‌تر این که دوسوم دعاوی حقوقی مربوط به کشورهای توسعه یافته به ویژه با سایر کشورهای توسعه یافته‌ای است که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک‌اند و روابط تجاری دو جانبه یا منطقه‌ای مهمی با هم دارند.^۱

نتیجه‌گیری

نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی در بسیاری از موارد ستون اصلی سیستم چندجانبه تجاری و بیانگر نقش ویژه این سازمان در ثبات بخشیدن به اقتصاد جهانی است. سیستم جدید سازمان تجارت جهانی قوی‌تر، خودکارتر و قابل اعتمادتر از سیستم مشابه در گات سابق است. انعکاس این واقعیت را می‌توان در استفاده روزافزون کشورها از این سیستم مشاهده کرد. این سیستم در درجه اول وسیله‌ای برای برقراری سازش و تشویق حل و فصل اختلافات است تا اینکه صرفاً مبتنی بر قضاوت و صدور حکم باشد. با کاهش دامنه اقدامات یک‌جانبه می‌توانیم بگوییم که وجود نظام حل اختلاف، در واقع ضمانت مهمی برای کشورهای ضعیف‌تر در انجام تجارت منصفانه است. در مقدمه توافقنامه مؤسس سازمان تجارت جهانی علاوه بر اهداف توافقنامه

۱. فورگ، اریک کانال، ص ۱۳.

کلی، توسعه و تجارت خدمات نیز جزء اهداف سازمان قرار می‌گیرد. در توافقنامه مؤسس تصریح می‌گردد که باید تلاشهایی به عمل آید تا کشورهای «در حال توسعه» و «کمتر توسعه یافته» در توسعه تجارت بین‌الملل سهمی معادل نیازهای توسعه اقتصادی خود داشته باشند.

امروزه موضوع اکثر دعاوی را نه کشورها، بلکه دست‌اندرکاران بخش خصوصی اقتصاد تشکیل می‌دهند. از این رو با قبول موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی بیشتر امتیازات متوجه فعالیت مسئولین اقتصادی در بازارهای ملی و جهانی می‌شود. وابستگی میان اقتصادهای جهانی سبب می‌شود تا اعضاء سازمان تجارت جهانی به قواعد آن احترام بگذارند چرا که در صورت وجود تعادل در حقوق و تعهدات، این قواعد می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نتایج مثبتی را برای همگان به دنبال داشته باشد.

دخالت بازیگران غیر دولتی شامل تجار و بنگاه‌های اقتصادی در نظام حل اختلافات بین کشورها، سؤالات مهمی را مطرح می‌سازد. نظیر اینکه این دخالت‌های عمدی در چه جهتی در آیین دادرسی تعریف شده‌اند و مشروعیت آن چگونه ارزیابی می‌شود؟ لذا با توجه به محدودیت‌هایی که برای دخالت اعضاء ثالث وضع شده است، باید دید چنین دخالت‌هایی چگونه تجزیه و تحلیل می‌گردد.

توصیه‌هایی که در گزارش هیئت‌ها و نهاد تجدید نظر اعلام می‌گردد برای طرفین دعوا فقط پس از تصویب از سوی ارگان حل اختلافات جنبه اجباری پیدا می‌کند. به هر حال امروزه این روند تصویب، تقریباً خودکار است و برای آنکه گزارش‌ها تصویب نشود، لازم است تا کلیه اعضاء به اتفاق تحت عنوان اتفاق نظر منفی تصمیم‌گیری نمایند.

سازمان تجارت جهانی از صلاحیت خاصی در پرداختن به دعاوی حقوقی میان اعضاء سازمان برخوردار است. صلاحیت قضاوت ارگان حل اختلافات به تمام اعضاء سازمان تجارت جهانی اجباراً تحمیل شده است. از این رو یک عضو نمی‌تواند زمانی که عضو دیگر شکایتی را ارائه می‌نماید، با آن مخالفت کند و باید با تشکیل یک هیئت حل اختلاف یا حداقل با یک موافقتنامه مشترک و مورد قبول که برای طرفین دعوا مناسب باشد، موافقت نماید.

نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی شامل قواعدی می‌شود که اجرای تصمیمات را تسهیل و تقویت می‌نماید. این مجموعه قواعد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا موفقیت سازمان تجارت جهانی به‌دقت و سرعت عمل بستگی دارد، به طوری

که اعضای سازمان بتوانند مقررات خود را با قواعد سازمان تطبیق دهند. در واقع هدف اولیه، عقب‌نشینی از انجام اقداماتی است که در مظان اتهام قرار می‌گیرند و با مصوبات یک یا چند موافقتنامه سازمان تجارت جهانی مطابقت ندارند.

منافع ناشی از مکانیزم حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی برای کشورهای در حال توسعه به آنچه ذکر شد و به طور خاص و صراحتاً در مقررات مربوطه پیش‌بینی شده است، محدود نمی‌گردد. مهمترین منفعت ناشی از این سازو کار برای این کشورها به یکی از اصول عملکرد آن یعنی تکیه بر اقدامات یک جانبه علیه کشورهای در حال توسعه باز می‌گردد.

به علاوه اطمینان ناشی از وجود این ساز و کار نسبت به رعایت مقررات و تعهدات سازمان تجارت جهانی، برای تمامی کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه که از ابزار اقتصادی چندانی برای تضمین منافعشان در رابطه با شرکای تجاری قدرتمند خود برخوردار نیستند، حائز ارزش بسیاری است.

ویژگی‌های خودکار بودن و وجود محدودیت زمانی فرآیند حل و فصل اختلافات نیز به نوبه خود حائز منفعتی برای کشورهای در حال توسعه است.

البته کشورهای در حال توسعه برای سود بردن از ساز و کار حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند. از آنجا که توسل به این ساز و کار برای حل اختلافات معمولاً مستلزم اعلام موازین یا اقدامات خلاف مقررات سازمان تجارت جهانی در کشوری توسط سرمایه‌گذاران و تجار کشورهای دیگر می‌باشد، وجود رابطه‌ای سیستماتیک و منسجم میان آنان از جمله صنایع، تولیدکنندگان و صادرکنندگان با دولت حائز اهمیت و ضرورت است.

لیکن متأسفانه چنین رابطه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. به علاوه سود جستن از این ساز و کار مستلزم آگاهی و اطلاع از مقررات سازمان تجارت جهانی و حقوق و تعهدات کشور متبوع و همچنین حقوق و تعهدات کشورهای دیگر (اعم از دولت و جامعه) می‌باشد، که این نیز وجود نظام آموزشی و اطلاع‌رسانی جامع و گسترده‌ای را می‌طلبد، اما متأسفانه کشورهای در حال توسعه معمولاً فاقد چنین نظامی می‌باشند. از سوی دیگر، کشورهای توسعه یافته به منظور حصول اطمینان از حفظ منافع سرمایه‌گذاران خود، نهادهای بسیار کارآمدی را برای بررسی رفتار کشورهای دیگر در زمینه تجارت بین‌الملل و سیاست‌های تجاری، در جهت استفاده در جریان دعاوی ایجاد کرده‌اند. ایجاد چنین نهادهای و انجام چنین بررسی‌هایی مسلماً مستلزم صرف هزینه‌ای قابل توجه است، درحالی که کشورهای در حال توسعه عمدتاً نه

توان مالی چنین کاری را دارند و نه از زیرساخت‌های اداری لازم برای سود جستن از آن برخوردارند، ضمن اینکه این کار پشتوانه علمی قدرتمندی را می‌طلبد.

کشورهای صادرکننده نفت باید این واقعیت را بپذیرند که دیر یا زود ناچار خواهند شد تا در سیاست‌گذاری‌های خود تجدید نظر کرده و روش تدوین سیاست‌های نفتی خود را به ویژه در ارتباط با موضوعات یارانه انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات بخش انرژی، با نظام نوین تجارت آزاد جهانی تطبیق دهند. با توجه به اهمیت درآمدهای نفتی حاصله از صدور نفت برای کشورهای صادرکننده و نقش این منبع مهم انرژی در برنامه‌های توسعه کشورهای مزبور، روند آزادسازی و مقررات‌زدایی در بخش نفت، تبعات اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. بسیاری از مقررات و قوانین مربوط به نفت در گات بدواً تحت عنوان مقررات اختیاری معرفی، ولی متعاقباً به صورت قواعد اجباری و الزام‌آور به مجموعه مقررات سازمان تجارت جهانی اضافه شدند. گنجاندن نفت در دوره‌های آتی مذاکرات، مطرح کردن تبعیضی است که کشورهای مصرف‌کننده در خصوص این منبع مهم انرژی اعمال می‌کنند.

مسلماً، توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت مؤثر بوده و نه تنها ظرفیت و توانایی کشورهای صادرکننده نفت را در بهره‌برداری از ذخایر طبیعی خود (اعمال حق حاکمیت) محدود می‌نماید، بلکه در جهت تسریع و پیشبرد روند توسعه صنعتی و اقتصادی این کشورها نیز، حساب شده عمل می‌کند.

فهرست منابع

1. Howard Jackson, John, The General Agreement on Tariffs and Trade in United States Domestic Law, Michigan Law Review 66 (1967).
2. Howard Jackson, John, The World Trade Organization, Constitution and Jurisprudence, The Royal Institution Affairs, 1999.
3. Howard Jackson, John, The Role and Effectiveness of the WTO Dispute Settlement Mechanism /Brooking, Trade Forum 2000..
4. Petersman, Ernest-Ulrich, The GATT/WTO Dispute Settlement, International Law, International Organizations and Dispute Settlement, Kluwer Law International, 1998.
5. Walde, Thomas; Legal and policy Implications of a Relationship of Two International Treaties in Natural Energy Resources: OPEC and the ECT, CEPMLP/Dundee February 2002.
6. Wilson, Bruce, A Hand Book on the WTO Dispute Settlement System, A WTO Secretariat Publication by the Legal Affairs Division and the Appellate Body, Cambridge University Press, 2004.

7. Florentino. P , Feliciano and Van den bossche, The Dispute Settlement System of the World Trade Organization: Institutions, Process and Practice, Kluwer Law International, Netherlands, 2001.
8. Valles, Cherise M. and McGivern, Brendan P. ,The Right to Retaliate under the WTO Agreement, Journal of World Trade, Kluwer Law International, Great Britain, 2000.
9. The WTO Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes; Annex2.
۱۰. ایروانی، محمد جواد، تجارت در آینده، درآمدی بر سازمان تجارت جهانی (ترجمه)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بهمن ۸۱.
۱۱. خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران، سال نهم، شماره ۷۳، مردادماه ۸۴.
۱۲. دژم خوی، غزاله، آشنائی با تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، (جزوه آموزشی)، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۸۱.
۱۳. دژم خوی، غزاله، بررسی اجمالی نظام حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱ مرداد و شهریور ۸۲.
۱۴. روسانی، شاپور، شرط مطلوب برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، روزنامه ایران، سال یازدهم، شماره ۳۱۰۱، سه‌شنبه ۲۳ / فروردین ۱۳۸۴، ص ۱۸.
۱۵. سند نهائی دور اروگوئه، گات (GATT)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، معاونت طرح و برنامه، ۱۳۷۳.
۱۶. شهلا، مهدی، داوری تجاری بین‌المللی (جزوه)، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد تهران مرکز، سال ۱۳۸۳.
۱۷. صباغیان، علی، فرآیند الحاق، نگاهی به روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، روزنامه‌همشهری، سال سیزدهم، شماره ۳۷۱۱، دوشنبه ۹ / خرداد / ۱۳۸۴، ص ۱۲.
۱۸. فورگ، اریک کانال، رویه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، (ترجمه) معصومه سیف افجه‌ای، سفارت جمهوری اسلامی ایران، بروکسل، آبان ۱۳۸۲.
۱۹. محبی، محسن، آئین حل و فصل اختلافات جهانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی،

شماره ۷، مهرماه ۱۳۷۶.

۲۰. مطیعی، حسن، ورود به بازارهای فرامرغقه‌ای با WTO، روزنامه ایران، دوشنبه ۲۸ / شهریور / ۱۳۸۴.

۲۱. مگی، آندرو، آئین حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۷، مهرماه ۱۳۷۶.

۲۲. موافقتنامه داوری تجاری بین‌المللی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، استاد راهنما: دکتر پرویز ساورائی، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.

۲۳. موسوی زنونز، موسی، ساز و کار حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، (جزوه آموزشی) دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران زمستان ۸۱.

۲۴. نیکبخت، حمیدرضا، داوری در کشورهای در حال توسعه، مجله تحقیقات حقوقی شماره های ۲۷-۲۸، سال ۱۳۷۳.

۲۵. نیکبخت، حمیدرضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، سال ۱۳۸۲.

۲۶. واحدی، علی، چالش‌های اساسی اقتصاد جهانی پیش روی دولت آینده، روزنامه ایران، چهارشنبه ۵ / مرداد / ۱۳۸۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی